

پیام به کنگره اول حزب کمونیست کارگری ایران (حکمتیست)

رفقا !

کنگره شما در شرایطی برگزار می شود که نقطه تعیین تکلیف رژیم " جمهوری اسلامی " چندان دور به نظر نمی آید . حال آنکه هنوز تکلیف " آلترناتیوی " که قرار است جانشین بیش از یک ربع قرن حاکمیت استبداد مذهبی بر جامعه گردد ، تعیین شده نیست .

جامعه ما در آستانه یک فاجعه قرار دارد . بسا سیاهتر و وحشتناکتر از آن چیزی که " نادر " از آن تحت عنوان " سناریوی سیاه " یاد می کرد . فاجعه از هم گسیختگی زندگی مدنی ، نابودی زیرساختهای جامعه مدنی ، تهدید چند پارگی یک تمامیت ژئوپلیتیکی که نام " ایران " را با خود حمل می کند .

پتانسیل جنگ داخلی میان کانونهای متراکم قدرت سیاسی و نظامی در کادر یک بافت ملوک الطوائفی ! پاک سازیهای قومی و مذهبی و در نهایت انفجار بنیادگرایی اسلامی در کل منطقه که مشروعیت خود را از تقابل نظامی با بنیادگرایی جنایت پیشه یهودی و مسیحی حاکم بر جهان کنونی گرفته و می گیرد .

هر چه هست ، تصویر یک " دنیای بهتر " و جهانی انسانی در چشم انداز ما نیست ! با اینهمه عمیقا باور دارم که " سناریوی سیاه " سرنوشت محتوم ما نیست . ما می توانیم و باید که سرنوشت خود را رقم بزنیم . یک راه بیشتر در مقابل ما نیست .

شکستن تعادل قوای موجود از طریق کمک به دست بالا پیدا کردن راه حل دمکراتیک و انقلابی و در راستای سرنگونی قهرآمیز رژیم " جمهوری اسلامی " ! این معادله دارای دو مولفه هست .

۱ - کوشش در جهت حفظ نیروها ، رشد و ارتقاء کمی و کیفی آنها و مهمتر از همه تقویت سازماندهی نظامی بمنابۀ یک پارامتر بسیار ضروری در راستای مداخله عملی در روند تحولات آتی . امری که حزب شما بدرستی با تشکیل " گارد آزادی " قدم به حیطة آن گذارده است .

۲ - تلاش در جهت تشکیل یک " ائتلاف سیاسی وسیع " در بین تمامی نیروهای جمهوریخواهی که اولاً خواهان سرنگونی تمامیت رژیم " جمهوری اسلامی " هستند ، ثانیاً خواهان یک نظام سکولار و تماماً غیر ایدئولوژیک می باشند .

این تنها طریقه دست بالا پیدا کردن " ثقل انقلاب " در کادر " نبرد آلترناتیوها " در تقابل با ارتجاع و بنیادگرایی در تمامی ابعاد آن و تنها مسیر تبدیل شدن به یک عامل بسیار " تاثیر گذارنده " و شاید هم در یک شرایط ویژه (مثلاً شرایط پیوند خوردن به توده های مردم و یا) ، " عنصر تعیین کننده " در پروسه تغییر در آینده ای نزدیک خواهد بود . اگر فرصتی دست داد در اینباره در کنگره بیشتر سخن خواهیم گفت .

رفقا !

انشعاب تاسف برانگیز اخیر در " حککا " ، جدای از توجیحات تنوریک طرفین در رابطه با دلایل انشعاب ، به اعتقاد من بیش از آنکه به اختلافات سیاسی و ایدئولوژیکی برگردد ، ریشه در تعیین تکلیف نشدن موضع رهبری حزب در شرایط فقدان زنده یاد " منصور حکمت " داشت . بویژه در یک ساختار حزبی که یک موضع " لیدر حزب " را هم با اختیارات نه چندان کم ، می خواست که بر بالای سر دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حفظ نماید ، بی آنکه تمامی اعضای این دو نهاد روی فرد دیگری به غیر از خود " منصور حکمت " اتفاق نظر داشته باشند . امری که بیش از همه برای خود " نادر " واضح و مبرهن بود و در جریان پلنوم چهاردهم کمیته مرکزی حککا نیز صراحتاً به آن اشاره کرده بود .

با اینحال تجربه نشان داده است که اگر چه جدایی و انشعاب در هر جریانی اصلاً استقبال کردنی نبوده و نیست با وجود این می توان که با اتخاذ خطوط سیاسی درست به جبران ضرر و زیانهای تشکیلاتی آن همت گماشت . شاید هم جدایی از بخش آسمانی تر حزب و گرد آمدن بخشهای زمینی تر در میان صفوف شما را بتوان به فال نیک گرفت اگر که در نهایت فعالیتهای حزب بیشتر و بیشتر سمت و سوی داخل کشور را پیدا نموده و در همین راستا نیز بطور طبیعی بیشتر و بیشتر به مجموعه نیروهای نزدیک گردد که بگونه ای عملی خواهان سرنگونی قهر آمیز نظام " جمهوری اسلامی " هستند .

رفقا !

در اینجا می خواهم که ضمن تاکید بر نقاط اشتراکمان در بسیاری از موارد همچون سکولاریزم ، آزادیهای بی قید و شرط سیاسی ، لغو مجازات اعدام ، نفی فدرالیسم ، برابری زن و مرد و حقوق کودک ، جامعه رنگی و مهمتر از همه نفی استثمار و خواست بلافصل سرنگونی تام و تمام رژیم " جمهوری اسلامی " از راس تا ذیل آن و بریک نکته مهم در رابطه با جنگ اخیر لبنان و موضع گیری درست لیدر حزبتان که در هفته های اخیر بسا بحثها برانگیخت و امواج آن تا درون حزب شما نیز نفوذ کرد و دندان بعضی هارا نیز برای خوردن بخشی از نیروهایتان تیز کرده بود انگشت بگذارم و آن ضرورت بی قید و شرط محکومیت جنایات ضد بشری رژیم راسیستی اسرائیل بود . جنایاتی که نه فقط از جانب نیروهای ترفیخواه جهان ، بلکه از سوی نهادهایی همچون " عفو بین الملل " نیز به مثابه " جنایات جنگی " قلمداد گردید .

مصادره این موضعگیری درست و اصولی به حمایت تلویحی از " حزب الله " لبنان را از هر سو که باشد ، تنها یک فرصت طلبی ارزان سیاسی ارزیابی کرده و محکوم کردنی می دانم .

برایتان در برگذاری موفقیت آمیز کنگره اول حزب ، آرزوی پیروزی می کنم و کماکان در راستای نزدیکی هر چه بیشتر طیف سرنگونی طلب و ایجاد زمینه های دیالوگ در میان اجزاء متشکله آن همچنان پای خواهم فشرد .

سلام بر انقلاب ! سلام بر آزادی !